

سورة الاحقاف



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ اسلام

عنوان

نقابت در عهد خلافت عباسی

(۴۴۷ - ۳۳۴ هـ . ق)

۱۳۸۲ / ۱۸ / ۲۰

استاد راهنما: جناب آقای دکتر علیمحمد ولوی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمدعلی کاظم بیگی

مستزاد اطلاعات مدرک علمی بزرگ
تمت به درک

دانشجو: زهرا قدیانی نژاد

تیرماه ۱۳۸۲

۴۷۸۴۵

تقدیم

به روان مادر و برادر م

چکیده

با پیروزی عباسیان و بر چیده شدن بساط بنی امیه، علویان که از پیش برای بدست آوردن زمام امور حکومتی در تدارک بودند، از صحنه سیاست کنار گذاشته شدند. آنان همواره مهمترین رقیب سیاسی عباسیان محسوب می شدند و به حقوقی که خود را مستحق کسب آن می دانستند چشم داشتند. به همین دلیل در طول خلافت عباسی مسایل بسیاری برای آنان فراهم کردند. علویان بعد از سالها جنگ و گریز به اهداف خویش دست نیافتند و از طرف دیگر خلفای عباسی هم با سرکوب مداوم قیام های آنان نتیجه رضایت بخشی بدست نیاورده بودند. استیلای آل بویه بر بغداد، نوید تأسیس یک حکومت مشترک عباسی - شیعی را می داد. حکومتی که نسبت به ادوار قبل فضای مناسبی برای راه یابی علما و شخصیت های شیعی و همچنین علویان که ارتباط زیادی با شیعیان داشتند به مناصب اداری و تشکیلاتی باز کرد. یکی از مناصبی که علویان را با حاکمان مرتبط می ساخت «نقابت» بود. نقابت به عنوان یک نهاد تا تأسیس خلافت عباسی وجود نداشت در این زمان به عنوان یکی از تشکیلات رسمی در حوزه اداری حکومت شناخته شد. این نهاد ارتباط زیادی میان علویان با خلفا و امرا برقرار می ساخت. «نقابت» نهادی بود با تشکیلات مشخص که به منظور رسیدگی و نظارت بر امور بنی هاشم (علویان و عباسیان) طراحی شد و مبین نوعی مزیت و شرافت خاندانی است. نقبا به نوعی ضامن حسن رفتار افراد تحت سرپرستی خود در جامعه محسوب می شدند. مهمترین مسئولیت نقبا که از نظر حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کارکردهای دیگر آنان را تحت الشعاع قرار می داد «تبار شناسی» بود. نقبا مجوز ورود مدعیان نسبت به پیامبر (ص) به حوزه تحت سرپرستی خود را صادر می کردند. ایجاد تشکل علویان در یک مجموعه خود مختار زمینه نظارت و کنترل علویان را بوجود آورد. در واقع علویانی که طی قرون متمادی مخالفان بالقوه حاکمیت محسوب می شدند تحت نظارت دقیق قرار گرفتند و زمینه شناسایی آنان فراهم شد.

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
	۱: مبانی تحقیق
۶	۱-۱: مساله تحقیق
۷	۱-۲: سوالات پژوهش
۷	۱-۳: فرضیه‌های تحقیق
	۱-۴: مفاهیم واژگان اصلی تحقیق
۸	۱-۴-۱: نقیب
۹	۱-۴-۱-۱: ترکیب‌های مختلف نقیب
۱۱	۱-۴-۱-۲: نقیب الاشراف
۱۱	۱-۴-۱-۳: نقیب به معنای سپاهی
۱۳	۱-۴-۱-۴: نقیب به معنای جاسوس
۱۳	۱-۴-۱-۴-۱: جاسوسی در اسلام
۱۶	۱-۴-۱-۵: نقیب به معنای متولی
۱۶	۱-۴-۱-۶: نقیب به معنای معاون کلانتر
۱۷	۱-۴-۱-۷: نقابت
۱۷	۱-۴-۲: عریف

۱۷	۳-۴-۱: امین
۱۸	۴-۴-۱: شریف
۲۱	۱-۴-۴-۱: اشراف دوره خلافت عباسی
۲۲	۵-۴-۱: سید
۲۲	۶-۴-۱: خلافت عباسی
۲۴	۵-۱: پیشینه تحقیق
	۶-۱: بررسی و نقد منابع
۳۲	۱-۶-۱: کتب مقدس
۳۲	۲-۶-۱: فرمان‌ها و رسایل
۳۴	۳-۶-۱: احکام السلطانیه
۳۵	۴-۶-۱: کتب انساب رجال
۳۷	۵-۶-۱: تواریخ
۳۸	۱-۶-۵-۱: تواریخ عمومی
۴۰	۲-۶-۵-۱: تواریخ محلی
۴۱	۶-۶-۱: منابع لغت
۴۱	۷-۶-۱: منابع حدیثی
۴۱	۸-۶-۱: سایر منابع
	۲: نیم‌نگاهی به پیشینه تاریخی ((نقیب)) و ((نقابت))
۴۴	۱-۲: نقبای بنی اسرائیل
۴۵	۲-۲: نقابت در عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین
۴۷	۳-۲: نقابت و عناوین نزدیک به آن در عصر اموی و عباسی
۴۷	۱-۳-۲: نقبای عباسی
	۴-۲: ((نقابت)) در فرون متاخر اسلامی
۴۹	۱-۴-۲: مقام و موقعیت نقیب در هندوستان

۴۹	۲-۴-۲: نقابت الاشراف در عثمانی
۵۰	۲-۵: ((نقیب)) و ((نقابت)) از نظر صوفیه
	۳: وضعیت سیاسی - اجتماعی علویان و برخورد آنان با صاحبان قدرت
۵۲	۳-۱: مقدمه‌ای بر سابقه برخورد صاحبان قدرت با علویان قبل از دوره مورد بحث
۵۲	۳-۱-۱: دوران خلفای راشدین
۵۵	۳-۱-۲: عهد امویان
۶۱	۳-۱-۳: عهد عباسیان
۷۲	۳-۲: وضعیت سیاسی - اجتماعی علویان در عهد آل بویه
	۴: تاسیسی نهاد ((نقابت)) در عصر عباسی
۸۳	۴-۱: نقابت بنی هاشم ، عباسیان و علویان
۸۶	۴-۲: تاسیس نهاد نقابت الطالین
۸۸	۴-۳: خصوصیات نقیب
۹۲	۴-۴: اهمیت نسب
۹۳	۴-۴-۱: اهمیت نسب قبل از اسلام
۹۴	۴-۴-۲: اهمیت نسب پس از ظهور اسلام
۹۷	۴-۴-۲-۱: اهمیت نسب در قرآن و سنت نبوی
	۴-۵: وظایف نقیب
۱۰۱	۴-۵-۱: انساب و تبارشناسی
۱۰۴	۴-۵-۱-۱: شرایط ازدواج در عصر جاهلیت و تاثیر آن در دوره اسلامی
۱۰۶	۴-۵-۲: وظایف آموزشی و تربیتی نقیب
۱۰۸	۴-۵-۳: وظایف اقتصادی نقیب
۱۰۹	۴-۵-۴: وظایف حقوقی نقیب
۱۱۲	۴-۵-۵: وظایف سیاسی نقیب
۱۱۷	۴-۵-۵-۱: تشیع عهد غیبت

۱۱۹	۲-۵-۵-۴: شیعیان و مساله همکاری با سلطان
۱۲۱	۶-۴: مراسم تفویض نقابت
۱۲۳	نتیجه
۱۲۵	فهرست منابع و مآخذ
	ضمائم
-	متن فرمان نقابت سید رضی
۱۳۶	ترجمه متن فرمان نقابت سید رضی
-	متن فرمان نقابت ابوطاهر موسوی
۱۴۴	ترجمه متن فرمان نقابت ابوطاهر موسوی
	چکیده

پیشگفتار

سپاس بی شمار و ستایش فراوان خداوند سبحان را که جان ما را به نور ایمان روشنی بخشید و معرفت و علم را بهره ما گردانید. پروردگاری که قلم در کف ما نهاد و توفیق تألیف و تحقیق را به ما ارزانی داشت.

شکی نیست که در هر بررسی تحلیلی، مستندات، پایه و بنیاد معرفت تاریخی است و شیوه پسندیده آن است که هر پژوهشی، حداقل با مراجع و مآخذ همراه شود. از طرف دیگر، کسانی که با منابع تاریخی سروکار داشته اند، به خوبی می دانند که چه رنج و کوششی لازم است تا بتوان از کتبی که هم آنها مصروف وقایع تاریخی و سیاسی بوده است، در ضمن بیان وقایع به طور اتّفاقی مطالب کوتاه و نادری در باره اموری که محقق در جستجوی آن بوده، بیرون کشید و از آنان چون سنگریزه هایی، بنای موزون و متناسبی ساخت.

من به این امر التفات دارم که انتخاب کتاب های مورد استفاده، به هیچ وجه جامع نیست و بخوبی آگاهم که تنها کاوشی سطحی انجام داده ام بخصوص در مسائلی که به فقه اسلامی مربوط می شد. زیرا آثار فقه اسلامی بسیار گسترده و شرح و تفسیر کامل و تام تئوریهای سیاسی نیازمند بررسی جدی تری می باشد.

من عمیقاً و امدار کسانی هستم که پیش از این در این حوزه قلم زده اند و نقل قول ها و پانوشت های بیشمار این پژوهش صحت ادعای مرا آشکار می سازد. اشتباه در تعابیر تنها از جانب من است.

این نوشته ، اگر ارزشی در مجموعه تلاش های تحقیقاتی داشته باشد ، مدیون همکاری و همدلی انسان های بسیاری است که بدون آنها ، چهار چوب این پژوهش ، هرگز شکل نمی گرفت. من بر آنم تا از کسانی که به صورت های مختلف در آفرینش این اثر سهمی داشته اند سپاسگزاری کنم. قبل از همه بر خود لازم می دانم ، از راهنمایی ها و زحمات بی شائبه ، استاد محترم ، جناب آقای دکتر علیمحمد ولوی ، که سمت راهنمایی پایان نامه را تقبل فرموده و تمام متن را به دقت مطالعه نمودند و همانند گذشته در باره شکل و محتوای آن پیشنهادات و تذکرات ذی قیمتی را عرصه کردند ، تشکر کنم. کمترین کاری که می توانم در حق ایشان انجام دهم قدردانی و سپاسگزاری است.

همچنین از راهنمایی استاد ارجمند ، جناب آقای دکتر محمد علی کاظم بیگی ، بسیار سود بردم. ایشان با لطف و گشاده رویی مشاوره پژوهش را بر عهده داشتند و با مطالعه دست نوشته های اینجانب ، راهنمایی ها و توصیه های ارزنده ای ارائه دادند ، از ایشان سپاسگزارم. از سرکار خانم زهرا اصغر زاده و آقایان کیا ، امامی و حقیری که در ترجمه متون سخاوتمندانه یاریم نمودند ، کمال تشکر را دارم.

در پایان ، از خانواده ارجمند خود ، که در این مدت طولانی ، که مشغول تدوین و نگارش این پژوهش بودم ، تمام نامهربانی های مرا ، صبورانه تحمل کردند ، سپاسگزارم. این تحقیق ، بی گمان دارای نقایص و نارساییهای بسیاری است . کاستی های این نوشته به عهده مؤلف است و اگر خوبی هم در این کار باشد ، از آن استادانی است که بر ایشان تکیه ورزیدم و از آنان بسیار آموختم. امید آن که صاحبان فضیلت و علم بر کاستی های حاضر با چشم اغماض بنگرند و نویسنده را با تذکر کاستی های آن رهین لطف و منت خویش سازند.

مقدمه

هدف ویژه این پژوهش، بررسی چگونگی تاسیس نهاد «نقابت» در دوران آل بویه می باشد. برای تحقق و بروز یک رویداد تاریخی، عوامل زیادی دست به دست هم می دهند و زمان درازی راه می پیمایند تا به اصل حادثه برسند. بر این اساس اگر محققى بخواهد واکنشى اجتماعى - سياسى را به عنوان يك موضوع تاريخى مورد تحليل و بررسى قرار دهد ناگزير است علل وقوع آن ماجرا را در ریشه ها و عوامل پيشين ييابد.

هر پديده اجتماعى، در طى تحوّل نظامات اجتماعى تغيير مى كند. كشف اين دگرگونى و تحوّل هيچان انگيز است، بخصوص پيرامون پيدائش يك سازمان يا نهاد تازه در جامعه، كه خود به خود يك پديده اجتماعى است و داراى حركت و اثر اجتماعى نيز مى باشد، آن هم سازمانى كه به نوعى يك نهاد دينى نيز محسوب مى شد.

بالطبع هر تغيير و تحوّل در نهادهای دينى هم، داراى علت و زيربنایى اجتماعى است. بخصوص در جوامعى كه دين و سياست درهم آميخته باشند. بدین لحاظ این تغییر، معنایى سياسى نيز مى يابد. بررسى نهاد «نقابت» نيز از اين قاعده مستثنى نيست. هدف پژوهش حاضر، بررسى موضوع مورد نظر، در همين مسير مى باشد.

در اين پژوهش سعى شده، پس از بررسى مسائل عمومى و تأثير گذار بر نهاد «نقابت»، به ساختار و کارکرد این نهاد در عصر مورد بحث توجه شود.

البته، این را به عنوان یک اصل باید بپذیریم که در ارزیابی هر پدیده، آن را با نگاهی بینیم که در عصر ظهور آن پدیده دیده می شده است. در واقع، هر واقعیت اجتماعی را در ظرف مکان و زمان خودش بسنجیم.

نوشته حاضر مدعی بررسی همه جانبه مسائل مطروحه نیست، لکن سعی شده است، با اجتناب از گزارش رخدادهای طولانی و تنها با اشاره ای کوتاه به آنها، موضوع مورد نظر از تمام جوانب مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بخصوص در فصل مربوط به وضعیت سیاسی - اجتماعی علویان و برخورد آنان با صاحبان قدرت، با توجه به طولانی بودن زمان مورد نظر (حدود پانصد سال)، این مساله نمود بیشتری پیدا می کند.

موضوع اصلی پژوهش، در چهار فصل تدوین شده است. در فصل اول «مبانی تحقیق»، تأکید زیادی بر مفاهیم و واژگان اصلی تحقیق صورت گرفته است، تأکیدی که این پژوهش آن را طلب می کرد. زیرا اگر، مفهوم «نقیب» و «نقابت» با کاربردهای متفاوت آن در طول زمان، مشخص نمی گردید، در فصول اصلی تحقیق، در تدوین موضوع یا مشکل روبرو می شدیم.

از طرف دیگر، سابقه تاریخی «نقیب» و «نقابت» در فصلی جداگانه، تحت عنوان «نیم نگاهی به پیشینه تاریخی «نقیب» و «نقابت»» مورد بررسی قرار می گیرد. پس از زمینه سازی های لغوی و تاریخی، وضعیت سیاسی - اجتماعی علویان و برخورد آنان با صاحبان قدرت از زمان رحلت رسول خدا (ص) تا زمان مورد بحث، بررسی شده است.

بطور کلی، همانگونه که باید شرایط زمان و مکان را در تحلیل حوادث مدنظر داشته باشیم، نباید از تحولات مفهومی واژه «نقیب» و «نقابت» در طول تاریخ غفلت کرد. بی تردید مفهوم «نقیب» در قرن چهارم با مفهوم «نقیب» در قرن اول، تفاوت هایی دارد. ولی مطمئناً، این تفاوت ها در طول زمان و بر اساس شرایط بوجود آمده، که به نوعی در تکامل کارکردها و عملکرد نقبا مؤثر بوده است.

در فصل اصلی پژوهش «تأسیس نهاد «نقابت» در عصر عباسی»، شکل گیری نهاد «نقابت»، جدا شدن «نقابت الطالیین»، خصوصیات نقیب، وظایف نقبا، ۱۰۰ مورد بررسی قرار می گیرد. از مسائل مهمی که در این پژوهش تأکیدی خاص بر آن شده، مساله «نسب» و عدم تبعیض نژادی در اسلام است.^۱ بی تردید، بنیاد اولیه اسلام، بر اصل برابری همه انسانها در برابر پروردگار استوار است. معیار عزت و برتری در پیشگاه الهی تقوی و گردن نهادن به احکام خدایی است. تبعیض نژادی، تفاخر قبیله ای و امتیاز طبقاتی، در اسلام وجود ندارد. در زمان رسول خدا (ص)، این برابری

^۱ - با توجه به این مسئله که یکی از مهمترین وظایف نقبا، تبارشناسی و تعیین نسب افراد تحت سرپرستی بود.

و برادری اسلامی تحقق عینی یافت و مسلمانان ارزش و موقعیت اجتماعی و حقوق مدنی مساوی داشتند.

اما هنگامی که ثروت کشورهای همسایه، در اثر فتوحات به سرزمین اسلامی سرازیر شد، مردمان رفته رفته با تن آسایی و تجمل خو گرفتند و تقوی و اخلاق در میان مسلمانان کاستی گرفت. در جامعه تازه، سخن همان سخن پیشین و شعار همان شعار برادری و برابری بود ولی سیمای جامعه با هزار زبان طبقاتی بودن خود را اعلان می کرد.

این ارزش گذاری نوعی رجعت به سنت های قبیله ای بود، سنت هایی که با حضور اسلام موقتاً در ضمیر ناخودآگاه عرب برای مدتی به فراموشی سپرده شده بود، اما به زودی احیا شد. به قول دکتر علی شریعتی:

«بعد از پیامبر(ص)، اشرافیت رانده شده، باز می گردد، با این تفاوت که ارزش های جاهلیش را با قرآن و سنت و بنام شعائر اسلامی توجیه می کند؛ و اشرافیت نه بر گرد «بت»، که بر گرد «کعبه»، می چرخد، و به جای آوردن «لات» و «عزی» به میدان، قرآن را بر سر نیزه می کند، و در دفاع از خویش نه از «اساطیر الاولین» که از وحی و توحید و کعبه و روزه و نماز و مسجد، سخن می گوید.»^۲

ارزش ها و سنت های جاهلی، مسائلی نبودند که در طول زمان به کلی فراموش شوند. از طرف دیگر رسول خدا(ص)، نیز به نوعی در صدد هماهنگ ساختن این ارزش ها با معیار های اسلامی بود. اما جانشینان ایشان، دانسته یا نادانسته، زمینه ساز احیا سنن قبیله ای را با ظاهری اسلامی شدند. یکی از اساسی ترین وظایفی که هر مورخ بر دوش دارد اینست که خود را از تمایلات شخصی، تعصب و گرایش های قومی و ملی، بدور دارد. سعی ما بر این بوده است که حتی الامکان بر مبنای واقعیات تاریخی به تحلیل موضوع مورد نظر، پردازیم. بسیار دشوار است که نویسنده در تمامی مراحل کار قلم و جدان خود را از مسائل خارجی و شخصی در امان دارد. امیدوارم توانسته باشم، این مهم را انجام داده باشم.

^۲ - علی شریعتی، یاد و یادآوران، بی جا، بی سال، صص ۲۵-۲۴.

بخش اول:

مبانی تحقیق

۱-۱: مسئله پژوهش

با استیلای آل بویه بر بغداد و گسترش تشیع، علویان، که ارتباط زیادی با شیعیان داشتند، جایگاه ممتازی کسب کردند، به نحوی که افرادی از آنان به مناصب حکومتی راه یافتند. یکی از منصب‌هایی که آنان را با حاکمان مرتبط می‌ساخت، «نقابت» بود.

هنگامی که انقلابی در محیطی رخ می‌دهد، مخالفان کوشش می‌کنند این انقلاب را نابود کنند. ابتدا با استفاده از نیروهای نظامی، فشار اقتصادی، و زمانی که موفق نمی‌شوند به اهداف خود برسند، تاکتیک و روش خود را تغییر داده و شیوه مقابله و معارضة خود را متحول می‌کنند. وضعیت علویان، در دوره اموی و عباسی، ظاهراً از نظریه بالا تبعیت می‌کند. آنان از مبارزات مسلحانه خود ظاهراً سود چندانی بدست نیاوردند و به اهداف خود دست نیافتند، بنابراین تاکتیک مبارزه را تغییر دادند.

آنان برای حفظ موقعیت و دفاع از حقوق خود، از طریق نفوذ در دستگاه اداری، تسلط نسبی خود را بر اوضاع حفظ کرده، توانستند برخی از اهداف و منویات خود را تحقق بخشند.

«نقابت» از دو منظر ساختاری و کارکردی قابل بررسی است. تأسیس چنین منصبی که منحصراً مخصوص دو تیره از بنی هاشم است، می‌توانست از بازتاب‌های متفاوتی در جامعه برخوردار باشد. حمایت خلفا و حکمرانان از این نهاد - در دورانی که به استناد مبانی کلامی شیعه و بالطبع اکثر علویان، پذیرش هر حکومتی غیر از امام معصوم و منصوم، نامشروع بود - مزید بر علت است.

یکی از نتایج این سازمان بندی اجتماعی، نظارت و کنترل علویان بود. علویانی که طی قرون متمادی مخالفان بالقوه حاکمیت محسوب می‌شدند، تحت نظارت دقیق قرار گرفتند و از طرفی دیگر زمینه شناسایی آنان فراهم شد.

در مجموع می‌توان گفت، این نهاد برای طرفین امر، هزینه‌ها و سودمندی‌هایی داشته است، شناسایی این هزینه‌ها و سودمندی‌ها، از جمله مهمترین نکاتی است که در این تحقیق پی‌گیری خواهد شد.